

چاقچورهای دوره قاجار در موزه پوشاک سلطنتی سعدآباد

پیدایش پوشاک را باید بر مبنای تفکرات و نیازهای اقلیمی، مادی و معنوی اقوام دانست و آن را آینه‌ی تمام‌نمایی از تاریخ زندگی بشر برشمرد که در طی قرون و اعصار، در سرزمین‌های گوناگون شکل گرفته و تحول یافته است.

تهیه‌ی لباس و پوشش همواره در دوره‌های مختلف تاریخی با ظرافت و دقت خاصی مورد توجه انسان‌ها بوده است و تمدن‌های دیرینه نیز بر امر طراحی و ایجاد پوشش مناسب تأکید می‌کرده‌اند و باید گفت حجاب و داشتن پوشش مناسب به خصوص برای زنان، پیش از اسلام نیز در جوامع گوناگون وجود داشته است. زیرا پدیده‌ی فطری شخصیت طلبی، هر انسان با شرافت را در هر زمان و مکان به سمت دستیابی به ارزش‌های متعالی می‌کشاند و بدون شک، حجاب یکی از ارزش‌ها به حساب می‌آید. دین مبین اسلام نیز حجاب را مورد تأکید و توجه قرار داده است.

بحث پوشش و لباس در ایران نیز همواره مورد توجه مردمان این مرز و بوم بوده و در سیر تاریخ کهن این سرزمین چه در نگاره‌ها و آثار تاریخی به جا مانده و چه در نوشته‌های مکتوب، پوشش و لباس مناسب را متناسب با فرهنگ ایرانیان شاهد هستیم.

پوشش و فرهنگ

پوشاک به عنوان بارزترین نماد فرهنگی، مهم‌ترین مظهر انتقال نشانه‌های فرهنگی در میان جوامع انسانی مطرح است. بسیاری بر این باورند که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری در وهله‌ی اول به‌وسیله‌ی انتقال پوشاک انجام می‌پذیرد و حتی می‌توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه‌ی تولید آن‌ها را نیز دگرگون کرد و تغییرات و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه به وجود آورد. لباس انسان، نخست تابع فرهنگ جامعه‌ی او و سپس تابع سلیقه‌ی خود او است.

در این فرآیند منظور از فرهنگ عبارت است از کلی‌ترین بینش و نگرشی که یک جامعه نسبت به جهان دارد. این بینش و نگرش همان معنایی است که آن جامعه برای هستی و انسان قائل است و به اندازه‌ی کلی است که همه‌ی ارزش‌ها و روش‌های فرد و اجتماع را در بر می‌گیرد. پوشاک در هر منطقه زمینه‌ی بسیار مناسبی جهت تعامل فرهنگی به حساب می‌آید. می‌توان در شکل‌گیری و ترکیب پوشاک محلی هر قومی عواملی چون مذهب، شرایط طبیعی، نوع معیشت، فعالیت‌های جنبی، تولید و منزلت اجتماعی را دخیل دانست. بدین معنا که با نگاهی در لباس‌های سنتی ایرانی خواهیم دید که خط مشی و دستورات اسلام در ارتباط با پوشاک افراد و به خصوص بانوان کاملاً مشخص است.

همچنین لباس‌های سنتی در قالب کاربردی آن‌ها عمدتاً ساده و بی‌پیرایه هستند و فقط جنبه‌ی کاربردی آن‌ها مهم بوده است. البته باید توجه کرد که جنس و نوع پارچه‌ی به کار رفته در پوشاک و حتی طرح و الگوهای آن‌ها در هر منطقه‌ای با شرایط و عوامل طبیعی مطابقت دارد. معیشت، هم در کیفیت پوشاک مردم تأثیر می‌گذارد و هم در شکل ظاهری آن نقش بسیاری دارد. بنابراین مردمی که معیشت مسلط آن‌ها دامداری است، مواد اولیه‌ی پوشاک آن‌ها را پشم تشکیل می‌دهد. در ضمن گشاد یا چسبان بودن لباس و ضخیم یا نازک بودن آن هم با شیوه‌ی معیشت مسلط هر منطقه تناسب دارد.

جایگاه اجتماعی موضوع اشاره دارد به اینکه، پوشاک مردمان در ایران همیشه بیانگر جایگاه و مرتبه‌ی انسان‌ها بوده است. حتی تزیینات و طرح‌های به کار رفته در لباس‌ها، بیانگر نوعی سلیقه و مهارت بوده است که به دنبال اعتلای مقام انسانی بوده نه سخیف نشان دادن جایگاه انسان‌ها. در مورد زنان در مجموع پوشاک آن‌ها به صورت مجموعه‌ای هماهنگ با وقار خاص زنانه بوده است که این امر در مورد مردان نیز صادق بوده است.

بدین ترتیب باید گفت فرهنگ، پررنگ‌ترین نقش را در نوع پوشش و کاربرد آن برعهده دارد و اگر به لحاظ فرهنگی برنامه‌ریزی پایه‌ای و درستی انجام گیرد، به طور حتم در زمینه‌ی تهاجم فرهنگی نیز مشکل چندانی پیش نخواهد آمد. توجه به نشانه‌ها و راز و رمزهای نهفته در انواع پوشش و پوشاک در دوره‌های مختلف، اهمیت مهمی دارد. این پیام‌ها و نشانه‌ها در واقع برخاسته از بینش، باورها، آداب، سنن و جهان‌بینی مردمان هر منطقه با توجه به فرهنگ و حتی اعتقادات آن منطقه بوده است.

در مطالعات مربوط به پوشاک، نظریه‌هایی چند ارائه شده است. برای مثال نظریه‌ی «قومی» که در آن انواع خاص لباس به عنوان شناسه‌ی گروه‌های قومی محلی و زبانی خاص، در نظر گرفته می‌شود و یا نظریه‌ی «انتشاری» که این نظریه، لباس‌های فعلی را بازمانده‌ی برخی انواع بنیادین می‌داند. البته نظریه‌های دیگری مانند نظریه‌ی «تاریخ توسعه» نیز وجود دارد که تکامل البسه در طی تاریخ و تأثیرات فرهنگی بیرونی بر آن را بررسی می‌کند.

توجه به نشانه‌ها و راز و رمزهای نهفته در انواع پوشش و پوشاک در دوره‌های مختلف، اهمیت مهمی دارد. این پیام‌ها و نشانه‌ها در واقع برخاسته از بینش، باورها، آداب، سنن و جهان‌بینی مردمان هر منطقه با توجه به فرهنگ و حتی اعتقادات آن منطقه بوده است.

نشانه‌شناسی در پوشاک

نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رموزها و نظام‌های علامتی می‌پردازد. پوشاک نیز مجموعه‌ای است از نشانه‌ها و علائمی که در کنار هم، نظامی واحد را بر پایه‌ی تعاریفی خاص (ملی، میهنی، تاریخی، مذهبی، اسطوره‌ای و...) به منظور القای تعریف شکل می‌دهند و هر یک از این نشانه‌ها را می‌توان از لحاظ زیباشناختی و

اجتماعی بررسی کرد. کارکرد اصلی نشانه‌ها، انتقال اندیشه است. هر قطعه ای از پوشاک نیز، در بردارنده‌ی اندیشه‌ای است؛ اندیشه‌ای که عامل اصلی تولید و طراحی آن قطعه بوده است. پیام مستتر در هر قسمت از لباس، ممکن است فقط جنبه‌ی کارکردی یا زیباشناختی داشته باشد یا آنکه مجموعه‌ای از رمزگان‌های نمادین جهت رساندن پیام‌هایی عمیق با معانی بزرگ فرهنگی، اسطوره‌ای، مذهبی، اجتماعی و سیاسی را در خود دارا باشد. استفاده‌ی اقشار مختلف زنان از انواع پوشش و حجاب اسلامی طی تظاهرات خیابانی در دوران انقلاب اسلامی مثالی در این زمینه است. گاهی نیز از پوشش برای بیان نوعی آرمان و هدف استفاده می‌شود. پوشیدن لباس عزا در سوگواری‌ها و نمونه‌هایی از این دست، از این قبیل‌اند. همچنین می‌توان به اصرار مبارزان فلسطینی در پیچاندن چفیه به دور سر و گردن، به منظور بیان ارزش‌های آرمانی متجلی اشاره کرد.

فکر ایجاد لباس ناشی از احتیاج انسان به دفاع از عوارض طبیعی به خصوص در برابر سرما بوده. لیکن لباس، مانند هرگونه وسیله‌ی دیگر زندگی حالت تفننی به خود می‌گیرد و از صورت ابتدایی خود بیرون می‌آید. به طوریکه لباس نیز مثل تمام وسایل زندگی جلوه‌گاه ذوق و هنر بشری گردیده و مظهر درجه‌ی لطافت و تکامل سلیقه‌ی اقوام و ملل شده است.

پوشاک زنان قاجار از دید سفرنامه نویسان

لیدی شیل در فصل سوم کتاب خود درباره پوشش زن ایرانی اینگونه می‌نویسد:

کاملاً در پوشش ضخیمی فرو می‌روند تا مبدا نظر دیگران بسوی او جلب شود. این پوشش که زن ایرانی در داخل آن محبوس می‌شود و از نوک پا تا سرش را فرا می‌گیرد به صورت زیر است: یک چادر بلند که تمام بدن را در بر گرفته و روبنده‌ای به شکل پوشش کتانی سفید رنگ، که آن را روی چادر به سر می‌کند تا تمام صورت او را بپوشاند و در جلودارای دریچه مشبکی است که برای دین و نفس کشیدن تعبیه شده است. پس از آن چاقچور است که آن را به جای چکمه و شلوار بپا می‌کنند و پیراهن و زیر پوش خود را در آن جا می‌دهند.

کارلاسرنا نیز در مورد لباس زنان می‌نویسد:

لباس متحدالشکل زنان ایرانی در خارج از خانه کشتیهای پاروئی و نیز را بیاد می‌آورد. زنان در هر شرایطی باشند بدون استثنا خود را در چادر آبی پر رنگی می‌پوشانند. شلواری

گشاد که پاها را نیز همچون جوراب می پوشاند. از کرباس سبز و آبی و خاکستری یا قرمز و کفشی سرپائی لباس متحد الشکل آنان را تکمیل می کند...»

کارلاسرنا از کلمه متحد الشکل بودن بارها استفاده کرده است این مسئله نشان از آن دارد که پوشش زنان در اروپا و کشور وی در طرح ها و رنگ های متفاوتی است و کمتر پوششی مانند لباس مدارس ، پیدا می شود که به این صورت متحد الشکل باشد. بنابراین برایش جالب بوده و از آن بسیار یاد می کند .

در جایی دیگر کارلاسرنا نوع پوشش زنان روستایی را که کمی راحت تر از زنان شهری آن را رعایت می کنند را نوعی بی باکی زنان در مقابل مردان قلمداد می کند.

حجاب زنان شهری سخت تر از حجاب زنان روستایی است. زنان شهری با چادر چاقچور و روبنده ای که کامل صورت آنها را می پوشاند در صورت اجازه همسر اجازه ورود به محلهای عمومی را داشتند .

زنان روستایی با حجابی که فقط چشم آنها پیداست در عرصه ی کار و فعالیت بیشتر از زن شهری وجود دارند.

زنان عشایر قدرت بیشتر و شرایط بهتری را نسبت به زنان شهری دارا هستند. هر جا که زنان مشارکت اقتصادی با مردان دارند از نظر موقعیت شرایط بهتری را دارند.

رنه دالمانی و مادام دیو لا فوا و سایر سیاحان نیز به این مسئله اشاره می کنند که:

" زن ایرانی در خانه از دو یا سه دامن کوتاه استفاده می کند. این دامن ها تقلیدی است از دامن های کوتاه رقاصان اروپایی که بر روی قرار می گیرند و زیر جامه (تنبان) نامیده می شوند." مساله ی جالبی را مادام دیولافوا در مورد شلیته مطرح کرده است. او می نویسد: " هر قدر به طرف جنوب ایران برویم بلندی تنبان ها و شلیته ها بیشتر می شود. در تهران شلیته ها کوتاه تر؛ در اصفهان تا زانو و در شیراز بلندتر بود و حتی تا قبل از انقلاب اسلامی در ایران در بعضی از روستاهای مازندران و سایر نقاط ایران انواع این شلیته ها با شلوار مشکی رواج داشت.

همچنین در این دوره از زیر دامنی هایی استفاده می کردند تا پف دامن بیشتر به نظر برسد. همچنین به جای استفاده از شلوار های گشاد گذشته، از شلوار های تنگ و کوتاه استفاده می کردند. البته زنان درباری زمانی که در حرمسرا بودند شلوار نمی پوشیدند و فقط از شلیته استفاده می کردند. در آن هنگام پوشیدن جوراب ساقه بلند ماشینی معمول نبود. همه جوراب سفید دست باف با حاشیه ی مشکی در پا می کردند و بجز زمستان خانم ها در خانه اغلب پا برهنه بودند. در دوره ی دوم در اندرونی ها شلوارهای کشی و بافته ی سفید بوسیله ی یک تاجر فرانسوی و خانمش رواج یافت که با آن "تکه تنبان" می گفتند. به طور کلی زنان در دوره ی دوم در خانه به هنگام فصل سرما شلوار به پا می کردند.

چنانچه دروویل لباس زنان ایرانی را چنین توصیف می کند:

لباس زنان ایرانی ناجور و بی ریخت است. آنها دستار عجیبی بر سر می بندند و خود چنین می پندارند که از این راه بر لطف و زیبایی آنان افزوده می شود. زنان هنگام خروج از خانه چکمه های پارچه ای (مراد چاقچور است) بلندی که تا بالای زانو می رسد به پا می کنند. شلوار آنها نیز درون این چکمه های پارچه ای قرار می گیرد. چکمه های مزبور بوسیله ی بند جوراب هایی نگه داشته می شود. از این رو موقعیت اجتماعی زنان را تنها می توان از بهای کفش یا ظرافت و ارزش چادر و روبند آنها حدس زد.

هنری بایندر می نویسد:

در اواخر دوره ناصرالدین شاه به ایران سفر کردم : لباسی که زنان در خانه می پوشیدند خیلی شبیه جوراب های بلند رقاچه های باله است ،به استثنای پیراهن تنگ چسبان و کفش های راحتی سبک با جوراب ساقه کوتاه و به جای دامن چندین شلیته بسیار کوتاه که بالا تنه ای یراق دوزی طلا و دارای طرح های قشنگ است دیده می شود .لباس زنان درکوچه شلوار بسیار گشادی است که تمام شلیته ها را داخل آن می کنند . این شلوار در انتهایش حکم جوراب دارد و بدین طریق داخل کفش می شود.

پیر لوتی در صفحه ای از کتابش در باره شهر اصفهان و زنان ایرانی می نویسد :

زن ایرانی وقتی می خواهد از خانه خارج شود باید چادر سر کند . چادر روپوشی بسیار گشاد است که از سر آغاز می گردد و کل بدن تا پنجه پا را در بر می گیرد. در زیر چادر چاقچور

پوشیده می شود که شبیه نوعی کفش است که پنجه تا ساق پا را دقیقاً در بر می گیرد. چادر و چاقچور به تناسب وسع مالی پوشنده از پارچه های پنبه ای یا ابریشمی تهیه می شود.

دوستعلی معیرالممالک اینگونه به شرح لباس بانوان حرم می پردازد:

" تنبان ها کوتاه و تا سر زانو نمی رسید. ولی بسیار گشاد و پرچین بود و در آن فنرها قرار می دادند تا به اصطلاح چتری بایستند... هنگامی که دسته ای از خانم ها بدنبال شاه می رفتند، تنبان هایشان بطرز خوشی حرکت می کرد و از عقب منظره ای تماشایی داشت. در آن وقت در ایران جوراب بلند معمول نبود و همه جوراب کوتاه به پا می کردند و ساق های سیمین تا بالای زانوها نمایان بود."

پوشش زنان در عصر قاجار



در عصر قاجار، شیوهی پوشش زنان در محیط خانه و بیرون از آن، متفاوت بود. نوع پوشش آنان را در درون خانه از لحاظ تاریخی می توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره‌ی اول، از ابتدای دوران قاجار تا مسافرت «ناصرالدین‌شاه» به فرنگ. دوره‌ی دوم، از مسافرت «ناصرالدین‌شاه» تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره‌ی مظفری. دوره‌ی سوم، از ابتدای دوره‌ی مظفری تا پایان دوره‌ی قاجار.

دوره‌ی اول، از ابتدای دوران قاجار تا مسافرت «ناصرالدین‌شاه» به فرنگ

لباس زنان را در دوره‌ی اول، پیراهن کوتاه بدون یقه‌ای تشکیل می‌داد که جلوی آن باز و دکمه‌های زرین و مروارید نشان زینت‌بخش آن بود. نزد خانواده‌هایی که از ثروت کافی برخوردار بودند، این دکمه‌ها از طلا و مروارید بود. نوع پارچه‌ها ابریشمی بود که گاه چندین رشته مروارید به دور یقه دوخته می‌شد.

معمولاً پیراهن‌ها را شلواری گشاد، مانند شلوار مردان و نیم‌تنه‌ای کوتاه به نام «ارخالق» تکمیل می‌کرد. بر روی آن «چاپکین» می‌پوشیدند که عبارت بود از پیراهن بدون یقه‌ای که جلوی آن باز بود و در زیر کمر، از چپ به راست دکمه می‌خورد. پوشش سر را نیز پارچه‌ای به شکل سه‌گوش تشکیل می‌داد که به آن «چارقد» می‌گفتند و از انواع آن می‌توان به دو نمونه‌ی چارقد «قالبی» و «آفتاب‌گردانی» اشاره کرد.

دوره‌ی دوم، از مسافرت «ناصرالدین‌شاه» تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره‌ی مظفری

مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ و روسیه و دیدن بالرینهای «پترزبورگ» که شلوار بافته‌ی چسبان و نازکی به پا می‌کردند و دامن‌های بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشیدند، شاه را بر آن داشت که زن‌های حرم خود را به پوشیدن این نوع لباس تشویق کند. او زنان حرمسرا را واداشت تا چاقچورها (شلوار بلند چین دار مخصوص زنان) را کنار گذارند، شلیته‌های کوتاه بپوشند و سر و موی خود را نیز با روسری‌های سفید ساده بپوشانند. سلیقه شاه اندک و آرام از درون حرمسرا به بیرون سرایت کرد و بسیاری از زنان و دختران خواص نیز به آن گراییدند اما این خواست در میان مردم عادی و به دلیل فضای مذهبی حاکم بر جامعه، جای خود را پیدا نکرد.



دوره‌ی سوم، از ابتدای دوره‌ی مظفری تا پایان دوره‌ی قاجار

در این دوره، کت و دامن و لباس به شیوه‌ی فرنگی به‌ویژه در میان زنان طبقه‌ی مرفه افزایش یافت. خانواده‌های وابسته به دربار از این نوع پوشش استفاده می‌کردند و زنان روشنفکری چون «قره‌العین» نیز بدون حجاب در جمع ظاهر می‌شدند.

لباس بیرونی خانم‌ها، چادر یک‌شکل و همانندی بود که سر تا پای زنان را کاملاً می‌پوشاند و معمولاً از پارچه‌های ابریشمی، پشمی، تافته و اطلس بود که به رنگ‌های سیاه، آبی پررنگ و آبی نیلی تهیه می‌شد. عموم زنان دیگر از پارچه‌های نخ‌ی راه راه یا گلدار استفاده می‌کردند که با دو شیوه‌ی دوخت از هم شناخته می‌شدند.

بر روی این چادرها روبندی به‌منظور پوشاندن چهره استفاده می‌شد که پارچه‌های چهارگوش و یا مستطیل شکل بود و قسمت پوشش چشم‌ها را توردوزی کرده بودند. این روبنده توسط قلاب‌هایی به پشت سر بسته می‌شد. چگونگی شکل و نوع این قلاب‌ها مشخص‌کننده‌ی طبقه‌ی اجتماعی فرد بود. و بالاخره قسمت بعدی این پوشش را چکمه‌ای به نام «چاقچور» تشکیل می‌داد. در اواخر دوره‌ی قاجار، نوعی روبنده به نام «پیچه» متداول شد که کوچک و مربع شکل بود و از موی دم اسب تهیه می‌شد.

اما لباس زنان ایلیاتی و روستایی که اکثر آنها در کارهای اقتصادی خانواده سهمی داشتند، به‌مراتب شکل راحت‌تر و آزادتری داشت. بیشتر آنها از همین لباس‌های محلی امروزه استفاده می‌کردند. روح حاکم بر زندگی مردم در دوره‌ی قاجار، روح مذهبی بود و آموزش و تربیت کودکان نیز بر همین اساس قرار داشت. مهمترین رکن اجتماعی، خانواده بود که از شوهر، زن

یا زنان و فرزندان تشکیل می‌شد. جایگاه زن در چنین جامعه‌ای، در اندرون خانه بود و به مراتب دور از تغییر و تحولاتی بود که در جامعه رخ می‌داد.

چاقچور در لغت نامه‌ها:

(واژه نامه فارسی ویکی)

چاقچور

چاخچور، چاقشور، دولاغ، شلواری فراخ و دو پاچه بهم پیوسته که از کمر تا نوک انگشتان پای را مستور میداشت و زنان هنگام بیرون رفتن از خانه می پوشیدند. نوعی جامهٔ زنانه مخصوص پوشانیدن هردو پای از بالای ران تا نوک انگشتان. لباسی است مخصوص پای زنان که از پنجه پا تا کمر یا تا وسط ساق پا را میپوشاند و در مفصل پا و ساق چین دارد. (فرهنگ نظام).

فرهنگ فارسی معین

(ا). شلوار گشاد و بلند زنانه، که از کف پا تا کمر را می پوشاند.

دیکشنری آنلاین آبادیس:

چاقچور

(اسم) شلوار گشاد و بلند و کف دار زنانه که آنرا بر روی شلیته و تنبانها می پوشیدند و دارای لیفه و بندی بود که در زیر شکم بسته میشد.

چادر چاقچور

جام. زنان آنگاه که از خانه بیرون میرفتند مرکب از شلواری فراخ و دو پاچه بهم پیوسته که از کمر تا نوک انگشتان پای را می پوشید و چادری چو عبایی فراخ که از فرق سر تا پای ایشان میرسید 0

چادر چاقچور کردن

ملبس به چادر و چاقچور شدن 0 چادر و چاقچور پوشیدن 0 یا کنایه از آماده شدن زن برای خارج شدن از خانه 0

چادر چاقچور

لغت نامه دهخدا

چادر چاقچور. [د / دُ] (ا مرکب) جامه ُ زنان آنگاه که از خانه بیرون میرفتند مرکب از شلوانی فراخ و دوپاچه بهم پیوسته که از کمر تا نوک انگشتان پای را می پوشید (چاقچور) و چادری چون عبایی فراخ که از فرق سر تا پای ایشان میرسید.

چاقچور

عبارت است: از جوراب شلواری یا شلوار کف دار که از دو قسمت به هم از مچ به پایین همانند جوراب و از مچ به بالا چین دار و گشاد بود که در کمر به وسیله لیفه جمع می شد. برخی چاقچور را دو لنگه جدا از هم می دوختند و آنرا بالای زانو با بند محکم می کردند. چاقچورها به رنگهای مختلف بوده ولی چاقچور سیاه مجلل تر و متین تر محسوب می شد. (صد سال تاریخ لباس بانوان)

چاقچور، چاکشور یا دولاغ پوششی بود که بانوان عصر قاجار می پوشیدند. چاقچور یک شلوار کف دار بسیار گشاد و بلندی بود که بر روی شلیته و تنبان می پوشیدند. چاقچور دارای لیفه بلند و بند بود و در زیر شکم بسته می شد. وسط دو لنگه آن را به طور مثلثی باز می گذاشتند و برخی نیز چاقچور را از دو لنگه جدا از هم می دوختند و آن را بالای زانو با دو بند محکم میکردند.

چاقچور چون بسیار گشاد و چین دار بود همه ی تنبان ها و شلیته در داخل آن به راحتی جا می گرفت و بانوان بسیار مواظبت می کردند که آهار و برآمدگی تنبان ها در هم نشکند، چاقچور دمپایی چین دار و تنگ داشت.

رنگ چاقچور اغلب بنفش، آبی و خاکستری یا قرمز بود ولی چاقچور سیاه، مجلل تر و متین تر محسوب می شد. زنان سید چاقچور سبز می پوشیدند. در واقع چادر، چاقچور و روبنده حجاب خارج از منزل زنان دوره ی قاجار بود.

با توجه به نمونه های باقی مانده ظاهراً غیر از چاقچورهای تک رنگ در این دوره چاقچورهایی هم دوخته می شده که رنگ کفه و شلوار آن با هم متفاوت بوده است.



تصویر 1: چاقچور سیاه رنگ دست دوز متعلق به دوره قاجار موزه پوشاک سلطنتی

انواع چاقچور

1- چاقچورهای بلند

2- چاقچورهای کوتاه

3- چاقچورهای دست دوز

4- چاقچورهای ماشین دوز

در بعضی از انواع آن دو لنگه جدا از هم تشکیل می شده است و هنگام پوشیدن آن شلیته و زیر دامنی ها زیر آن قرار می گرفته است. در تصویر زیر طریقه پوشیدن چاقچور را می توانید ملاحظه بفرمایید.



۷۲- طریقه پوشیدن چاقچور

تصویر 2: طریقه پوشیدن چاقچور

چاقچور های کوتاه که با بندینکی بسته شده و زیر زانو قرار می گرفته. اغلب با شلیته های بلند پوشیده می شده. چاقچورهای کوتاه به صورت دولنگه مجزا استفاده می شده است و کاربرد آن مانند جوراب بوده است .



تصویر 3: چاقچور کوتاه که مانند جوراب پوشیده می شود

در مواردی نیز چاقچورهای رنگی استفاده می شده که رنگهای آن زرد و قهوه ای، سبز، آبی بوده است. در بین چاقچورهای مطالعه شده می توان به رنگ بنفش نیز اشاره کرد.



تصویر 4: چاقچور رنگی متعلق به دوره قاجار

موزه پوشاک سلطنتی

در بخش بعدی یک نمونه از چاقچورهای دوره قاجار که جزو معمول ترین آنها بوده است بررسی خواهد شد.

چاقچورهای دست دوز متعلق به دوره دوم قاجار بوده و تقریباً زمانی را شامل می شود که هنوز چرخ خیاطی وارد ایران نشده بود و تمام لباسها توسط خیاطها به حالت دستی تهیه می شده است. در اغلب این چاقچورها در قسمت ساق پا دوخت های سنتی اجرا شده است که بسیار حائز اهمیت است. این دوختها به ظرافت و دقت بسیار زیادی انجام گرفته و جزو تزئینات لباس به حساب می آمده است. در بعضی از این چاقچورها در قسمت کمر جادگمه ای دست دوز باز شده است و کمر توسط دو عدد دگمه بسته می شده است. و در بعضی از موارد کمر توسط نخ کلفت به نام لیفه بسته می شده است.

در بعضی از چاقچورها نیز ما شاهد استفاده از ماشین چرخ خیاطی هستیم که اغلب متعلق به دوره سوم و زمان مظفرالدین شاه و پس از ورود چرخ خیاطی به ایران بوده است.

چاقچور بلند سیاه رنگ

یکی از نمونه آثار موجود در موزه پوشاک سلطنتی که مورد پژوهش و بررسی موزه قرار گرفته است چاقچور سیاه رنگ بلندی است که در بررسی چاقچورها حائز اهمیت است. این چاقچور از پارچه سیاه رنگ نخ براق دوخته شده است. جزو چاقچورهایی می باشد که دو لنگه آن از هم جدا بوده و در قسمت کمر به وسیله دو عدد دکمه بسته می شده است، دست دوز بوده و دوخت هایی در قسمت ساق پا بر روی آن انجام شده است.



گیسو فکوری نوشاد-صدیقه صمدی

منابع و ماخذ:

- پولاک، ادوارد یاکوب (1361): سفرنامه ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ اول، انتشارات خوارزمی
- جیمز ویلس، چارلز (1363): تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، تهران، نشر طلوع-
- دالمانی، رنه (1378): از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، جلد 2، چاپ اول، - تهران، نشر طاووس
- دیولافوآ، مادام ژان (1361): سفرنامه‌ی ایران، کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره وشی، - چاپ سوم، انتشارات خیام
- ذکاء، یحیی (1336): لباس زنان از قرن سیزدهم تا به امروز، تهران، اداره‌ی کل هنرهای زیبا-
- رجبی، اشرف (1384): تاریخچه‌ی تحول پوشاک بانوان ایرانی دوره‌ی قاجاریه، مجله اینترنتی - آموزش تاریخ، دوره‌ی هفتم شماره دو
- رنج دوست، شبتم (1387): تاریخ لباس ویژه دانشجویان تکنولوژی طراحی و دوخت سراسری--

آزاد-علمی-کاربردی، تهران، نشر جمال هنر

سрна، مادام کارلا (1362): سفرنامه‌ی آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی - نا

شریعت پناهی، سید حسام‌الدین (1372): اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، تهران، نشر قومس -

غیبی، مهرآسا (1387): تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، نشر هیرمند -

درویل، گاسپار، سفرنامه درویل. ترجمه جواد محبی. تهران. گوتمبرگ. چاپ دوم. 1348.

بایندر، هانری. سفرنامه هانری بایندر. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران. فرهنگسرا. چاپ اول. 1370.

دالمانی هنری رنه. از خراسان تا بختیاری. غلامرضا سمیعی. ج اول. تهران. نشر طاوس. 1378.

انه کلود. گل‌های سرخ اصفهان. فضل‌الله جلوه. تهران. نشر روایت. چاپ اول. 1370.

نجمی، شیرین. بررسی پوشاک دوره قاجار. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. استاد راهنما دکتر فاطمه کاتب

تصاویر: تهیه شده از پوشاک موجود در انبار موزه پوشاک سلطنتی